

پرسه در خبر

یک جایزه از بوسان برای فیلمی با بازی محسن تانابنده

● فیلم «رونا؛ مادر عظیم»، به کارگردانی جمشید محمودی، موفق به کسب اولین جایزه افتخاری «کیم جی سنوک» از جشنواره فیلم بوسان کره جنوبی شد.

«شکستن هم‌زمان بیست استخوان» با نام بین‌المللی «رونا؛ مادر عظیم» به کارگردانی جمشید محمودی و تهیه‌کنندگی نوید محمودی، به‌عنوان محصول مشترک سینمای ایران و افغانستان در بخش «پنجره‌ای به سینمای آسیا»ی بیست‌وسومین جشنواره فیلم بوسان حضور داشت و در نهایت موفق به کسب جایزه «کیم جی سنوک» از این رویداد سینمایی شد. جایزه «کیم جی سنوک» که امسال برای اولین‌بار در جشنواره بوسان اعطا شد، به یاد نایب‌رئیس و برنامه‌ریز اجرایی درگذشته جشنواره فیلم بوسان کره جنوبی ایجاد شده که به‌عنوان قلب سینمای آسیا و جشنواره بوسان از وی یاد می‌کنند.

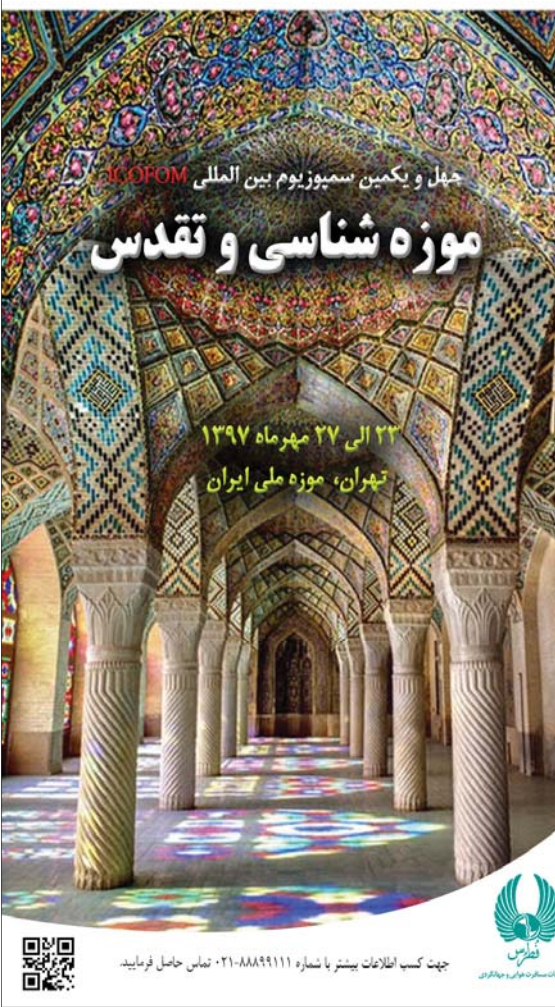
این جایزه به بهترین اثر جشنواره در بخش «پنجره‌ای رو به سینمای آسیا» اعطا می‌شود و هیئت داوران این جایزه دو فیلم از میان ساخته‌های مستعدترین کارگردانان جوان آسیایی را در این بخش به‌عنوان برندگان این جایزه انتخاب می‌کنند که با اعطای جایزه نقدی ۱۰ هزار دلاری تقدیر خواهند شد و امسال فیلم «دنده» به کارگردانی «ژانگ وی»، از چین، دیگر برنده جایزه «کیم جی سنوک» معرفی شده است.

«شکستن هم‌زمان بیست استخوان»، روایتگر داستان پسری میانسال است که در معرض تصمیم حیاتی مرگ و زندگی درباره مادرش قرار دارد که با بیماری شدیدی دست‌وپنجه نرم می‌کند و تصویری روشن از تنش‌های خانوادگی و سرخوردگی‌های اداری را در جامعه‌ای ارائه می‌دهد که ظاهراً در برزخی بی‌پایان گرفتار شده است.

«شکستن هم‌زمان بیست استخوان» سومین فیلم برادران محمودی است که از طرف سینمای افغانستان برای شرکت در مراسم اسکار به این آکادمی معرفی شده است و نماینده این کشور در اسکار ۲۰۱۹ خواهد بود.

پخش‌کننده بین‌المللی فیلم برادران محمودی شرکت فرانسوی نسوری پیکجز به مدیریت کنایون شیما است.

بیست‌وسومین جشنواره فیلم بوسان از تاریخ ۱۳ تا ۱۳ اکتبر (۱۲ تا ۲۱ مهر) در کشور کره جنوبی برگزار شد و هیئت داوران این رویداد سینمایی امسال جایزه بهترین فیلم بخش رقابتی جشنواره (جریان‌های نو) را به فیلم «وحشی»، به کارگردانی «جو سی وی»، از چین اعطا کردند. امسال فیلم «حمل طلا»، به کارگردانی توجر اصلانی، به‌عنوان نماینده سینمای ایران در بخش رقابتی اصلی «جریان‌های نو»ی جشنواره فیلم بوسان پذیرفته شده بود و «مارموز»، ساخته کمال تبریزی، «۳ رخ» به کارگردانی جعفر پناهی، «چراغ جادو»، جدیدترین ساخته امیر نادری، فیلم «ممه می‌دانند»، ساخته اسپانیولی‌زبان اصغر فرهادی، «مرز»، ساخته علی عباسی و «روزی روزگاری در زندگی یک بچه»، ساخته سارا ممتازیان دیگر فیلم‌های سینماگران ایرانی بودند که در جشنواره بوسان حضور داشتند.



رضا آشفته؛ سیدعباس صالحی تئاتر لاکچری را تیر خلاص به این هنر دانست و این‌گونه است که در سطح بالا نیز بالاخره مدیران متوجه عواقب و پیامدهای منفی تئاتر لاکچری با پرداختن به جنبه‌های صرفاً تجاری شده‌اند که می‌تواند در درازمدت تهدیدی بسیار جدی برای فرهنگ سرزمینمان باشد.سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در توییت خود نوشت: «تئاتر لاکچری تیر خلاص به این هنر مردمی است. اداره کل هنرهای نمایشی با هم‌اندیشی و همیاری خانه تئاتر، جریم صحنه را از آن مصونیت دهد».

شاید سرمنشأ این تحلیل کوتاه و موج‌ز حال‌وهوای این روزهای تئاتر باشد که بخشی از آن اعلام بلیت‌های بسیار گران است برای یک سری تئاترهای تجاری که در آن مسائل فرهنگی هدف‌گذاری نشده است و بخش دیگر آن، گرانی‌ها سبب فرهنگی مردم را ناچیز کرده و در این زمینه دولت بیشتر از بقیه می‌تواند ضمن ارج‌نهادن به نیازهای درونی و فرهنگی مردم و با ایجاد اعتدال در ارائه بلیت‌های تئاتر همچنان بر حضور مردم و استفاده همگانی از این هنر مردمی اصرار کند.

واکنش مرکز هنرهای نمایشی

بعد از آنکه سیدعباس صالحی در واکنش به تئاتر لاکچری و افزایش قیمت بلیت‌ها، در تویییتی از اداره‌کل هنرهای نمایشی و خانه تئاتر درخواست کرد دراین‌باره دست به اقدام بزند، شهرام کریمی در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید کرد: «برای آنکه تئاتر تجاری نتواند بر تئاتر هنری و مستقل چیره شود، همان‌طور که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست کرده‌اند، همه مراکز دولتی و عمومی به همراه صنوف هنری و هنرمندان باید وارد عرصه شوند».مدیرکل اداره هنرهای نمایشی گفت: «اینکه وزیر به این بحث ورود پیدا کرده‌اند، نشان از دغدغه‌های ایشان دارد. در واقع ایشان حرف دل هنرمندان و مدیران هنری تئاتر را زده‌اند که نباید بگذاریم تئاتر تجاری بر این عرصه سایه بیندازد». او ادامه داد: «البته تئاتر تجاری در همه جای دنیا وجود دارد و ما باید کاری کنیم که که تئاتر ما به سمت صرفاً تئاتر تجاری نرود. برای رسیدن به این هدف، ما باید بستر و امکانات مناسب را فراهم کنیم. از جمله باید از سالن‌های خصوصی و گروه‌های مستقل تئاتری بیشتر از گذشته حمایت کنیم تا آنها کمتر رویکردی تجاری برای تأمین هزینه‌هایشان داشته باشند».کریمی با اشاره به اینکه تا ما تئاتر را حمایت نکنیم، امکان گسترش تئاتر تجاری وجود دارد. افزود: «بودجه حمایتی از تئاترهای هنری و مستقل باید افزایش یابد. ما در سال گذشته حدود سه‌ونیم میلیارد تومان برای حمایت از تئاترهای روی صحنه هزینه کرده‌ایم که باید چند برابر شود». او در واکنش به این پرسش که وقتی بودجه تئاتر

از اعتراض وزیر ارشاد به تئاتر لاکچری تا واکنش دیگران

تیر خلاص به این هنر مردمی



عباس

وزیر ارشاد

تیر خلاص

کشور درمقایسه با سال گذشته کاهش پیدا کرده است، چگونه می‌توان از حمایت بیشتر سخن گفت، پاسخ داد: «بودجه پارسال تئاتر ۲۳ میلیارد تومان بود که ۲۴ میلیارد آن محقق شد. امسال بودجه کل تئاتر ما به ۲۴ میلیارد تومان کاهش پیدا کرده است که معلوم نیست چه میزان از آن محقق شود. این‌گونه قطعاً حمایت از گروه‌های مستقل و هنری تئاتر سخت است و به همین دلیل نهادهای دیگر باید در این زمینه همکاری کنند».

مدیرکل هنرهای نمایشی با اشاره به توجه ویژه وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به این عرصه، در گفت‌وگو با خبرآنلاین تأکید کرد: «تلاش خواهیم کرد با راینرزی و همراهی همه صنوف هنری و دیگر نهادهای فرهنگی، حمایت مالی بیشتری را برای تئاتر هنری و گروه‌ها و سالن‌های مستقل فراهم کنیم. در سالی که شرایط اقتصادی خاصی بر همه امور حاکم است و هزینه‌های تولید تئاتر بیشتر از گذشته شده است، رسیدن به این هدف، هم‌فکری و هم‌یاری بیشتری را از طرف همه صنوف و نهادهای می‌طلبد».

واکنش کانون منتقدان تئاتر

هیئت مدیره کانون ملی منتقدان تئاتر ایران نیز با ارائه بیانیه‌ای تحلیل و نگاه خوشی را دراین‌باره منتشرش و بر حمایت دولت از تئاتر خصوصی تأکید کرده‌اند که این نیز ضمن استقرار و ماندگاری این تالارها، در جهت حمایت از مردم برای رفتن به تئاتر اقدام مؤثری خواهد بود. در این بیانیه آمده است: پرواضح است که شرایط نامطلوب کنونی اقتصادی بر همه ارکان جامعه و ازجمله تئاتر این مرزوبوم اثر گذاشته و به‌ویژه بخش خصوصی را که به‌شدت آسیب‌پذیر به نظر می‌رسد، تهدید می‌کند. ضروری است تا به این نهال تازه رشد یافته رسیدگی



سیاست دنباله‌سازی‌های نمایشی و تأثیراتش بر مخاطبان باقی‌مانده سیما

تو با قاب جادوی من چه کردی؟



چندفصلی دیگر با ناکامی در دنباله‌سازی روبه‌رو شده و همان خاطره خوش به‌جامانده از فصل اول خود را هم زده‌ایز دست‌کم مخدوش کرده‌اند. بگذارای به فهرست نگاهی بیندازیم: سریال «درسدرهای عظیم۲» به دنبال موفقیت غرقابیل پیش‌بینی سری نخست این مجموعه حدود یک سال پس از فصل اول؛ یعنی در رمضان (تیرماه) ۱۳۸۴ از شبکه سه سیما روی آنتن رفت و تقریباً تمام داشته‌های دلنشین ذهنی مخاطبان نسبت به فصل اول را به یاد داد؛ دنباله دیگری که سه سال بعد از فصل اول ساخته شد و جز تکرار مکررات چیز دیگری به خاطره‌های نسبتاً خوبمان از سری اول آن؛ یعنی مجموعه «دودکش» اضافه نکرد. سریال «پادری» بود که درواقع مَهر یابانی بود بر ساخت دنباله‌های بعدی این مجموعه. بعد از آن نوبت به مجموعه نوروزی «دیواربه‌دیوار» رسید که بدون هیچ توجه قابل‌قبول یا توفیق حتی نسبی در جذب بیننده به سری دوم رسید و جایگاه ضعیف‌ترین دنباله نمایش تلویزیونی را بدون هیچ حرف‌وحدیّتی به خود اختصاص داد؛ تجارب تلخی که اگر به عبرت‌آموزی ختم می‌شدند امروز شاهد زرمزه‌های ادامه‌یافتن آثار بی‌کیفیت و فاقد ظرفیت استمرار نبودیم. آثاری نظیر سریال ضعیف «پدر»؛ سریالی که به دلیل اشکالات فاحش فیلم‌نامه؛ از عدم تطابق با معیارهای جامعه امروزی گرفته تا باورپذیرنبودن بسیاری از موقعیت‌ها و کاراکترها و پرداخت به‌شدت نارسا، از همان قسمت‌های آغازین پخش مورد انتقاد صاحب‌نظران و عموم جامعه قرار گرفت و

که در این بخش فعال هستند. بانیان اقتصاد آزاد، نخست به دنبال نفعشان هستند و نه سوبسیددان! اصلاً وقتی دولت تمایلی به سوبسیددادن ندارد و برای ایده‌های فرهنگی‌اش هزینه کافی و وافی فرهنگی نمی‌کند، چه انتظاری از اموال شخصی وجود دارد؟ آنان می‌افزایند: متأسفانه دولت سهم و رابطه خود با تئاتر خصوصی را به فراموشی سپرده است و فقط در حد ناظر و اجراکننده قوانین بالادستی ظاهر می‌شود و به همین دلیل است که نمی‌تواند درباره ساخت‌وسازهای بخش خصوصی، قیمت‌گذاری، کف و سقف درآمدهای حاصل از فروش گیشه و… اظهارنظر کند. نمی‌شود تئاترهای خصوصی را در همه حال و ازجمله تأمین بودجه‌های مورد نیازش در حال خود رها کرد؛ اما از آنها توقع داشت مطابق قوانین (که هنوز وجود ندارند!) رفتار کنند.

کانون منتقدان این‌گونه نتیجه‌گیری می‌کند: تئاتر خصوصی به‌شدت نیازمند حمایت دولت است و ضروری است تا دولت، سهم خود را در قبال این تئاترها به لحاظ مادی مشخص نماید که در غیر این صورت، این گونه تئاتری و بالطبع جریان حاکم بر تئاتر کشور با بحران‌های متعددی مواجه خواهند شد. حقیقت این است که در یک قیاس نسبی، وضعیت کیفی تولیدات در تالارهای خصوصی از تالارهای دولتی بهتر است و همچنین شمار بیشتری از هنرمندان تئاتر را در دل خود جای داده است؛ اما بنابر مشاهدات انجام‌شده درباره افزایش قیمت بلیت‌های نمایش‌ها، افزایش قیمت کرایه تالارها، افزایش دستمزد عوامل هنری و فنی نمایش‌ها و در یک کلام سرانه تولید یک اثر نمایشی، ضروری است تا برای تنظیم و متعادل‌کردن شرایط موجود و با به قول وزیر محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی «مردمی نگه‌داشتن» این هنر، دولت بسا کمک‌ها و حمایت‌های مادی ولجستیکی خود، کمک‌حال تالارها و مؤسسه‌های تک‌منظوره تئاتر باشد. نمی‌توان فقط با شعاردادن، شرایط را مطلوب کرد؛ سرمایه‌گذاران تئاتر خصوصی با ضررکردن یا با دیدن خطر ازدست‌رفتن سرمایه‌هایشان یا دستورالعمل‌های یک‌طرفه که فقط منفعت دولت و اهدافش را نشانه گرفته به‌سرعت از این فضا خارج خواهند شد و آن‌وقت تمام تلاش‌ها برای ایجاد بخش خصوصی تئاتر از بین خواهد رفت و شرایط نامطلوب و تنگناهای دوجندان دهه‌های قبل تکرار خواهند شد. تعریف حمایت‌ها و نیز تبیین قوانین برای پیشگیری از انحرافات و خطاها در حوزه تئاتر خصوصی، دو عملکرد عمده‌ای است که نیازسته است همین‌انجام یابند تا هم ناظران و هم بانیان تئاتر خصوصی احساس رضایت داشته باشند. امروز هم دیر است؛ سرعت بخشیدن به اقدامات ضروری است.

اما نتیجه نهایی این تولیدات بی‌ریبه و خارج از دایره استاندارد چیست؟ درواقع باید این پرسش اساسی را مطرح کرد که چون تلویزیون ما برخلاف تلویزیون‌های کابلی یک رسانه دولتی وابسته به بودجه و بی‌اتکا به رضایت بینندگان است و معادله مهم سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه در تعاملات اقتصادی آن جایی ندارد تا کی و کجا می‌تواند به این سیاست مبتنی‌بر جذب نقدینگی بی‌حساب‌و‌کتاب و اسپانسرمحور ادامه دهد؟ در حوزه بین‌المللی و لاقبل در بخش شناخته‌شده و واجد کیفیت آن محصولات نمایشی‌اش در اقاص نقاط جهان در معرض تماشای میلیون‌ها بیننده قرار می‌گیرد، زمانی که بحث دنباله‌سازی به میان می‌آید یا از ابتدا و در مرحله شکل‌گیری و نگارش داستان دراین‌باره فکر و برنامه‌ریزی می‌شود یا حداکثر اگر هم اثری برای یک داستان، برای ادامه‌دادن دستپخت نمایشی بدمژه‌شان، مقدمات لازم را با تماس تلفنی قهرمان به ظاهر ازدست‌رفته با خانواده‌اش تدارک دیدند و این یعنی اینکه فصل تازه‌ای از این مجموعه بد در راه خواهد بود یا دست‌کم، بسترش را آماده کرده‌اند تا در اولین فرصت ممکن از آن نهایت استفاده را ببرند! نظیر این ماجرا هم تابستان گذشته و با مجموعه «نفس»، ساخته جلیل سامان، اتفاق افتاد؛ مجموعه‌ای که به‌عنوان یک اثر در گونه تاریخ سیاسی درمجموع قابل‌قبول به نظر می‌رسید، اما سعی در ادامه‌دادن آن بدون آنکه درون‌مایه داستانی مجموعه کشش لازم برای استمرار و به فصل‌های بعدی کشیده‌شدن را داشته باشد دقیقاً حکایت سریال «پدر» بود؛ حکایتی که در این روزهای بد تلویزیون، احتمال تکرارش برای دیگر مجموعه‌های تلویزیونی دور از ذهن نیست و حالا که چنین بساطی پهن شده، قابل‌پیش‌بینی است که تهیه‌کنندگان آثار نمایشی، تا سرحد ممکن برای مطول‌کردن مجموعه‌ها به سازندگانشان فشار بیاورند، خصوصاً که بازار آگهی‌های بازرگانی داغ از همیشه است و سامانه‌های خنده‌دار و عوام‌فریب پیامکی به نوار زینویس مجموعه‌ها راه یافته‌اند و احتمال نفوذ پشت‌پرده گردانندگان آنها را هم نباید

از نظر دور داشت. وجه دیگر قضیه این است که در این اوضاع معیشتی نابسامان که کاهش تعداد سریال‌های تولیدی را در پی داشته و تلویزیون را بیش از پیش آرتشیومدار کرده، قطعاً برای دست‌اندرکاران مجموعه‌ها هیچ چیزی خوشایندتر از اشتغال به کار نیست. می‌بینید آشفته‌بازاری است که برخی را از منظر فرصت‌طلبی و خیلی‌ها را هم به‌ناچار درگیر خود می‌کند.

اما نتیجه نهایی این تولیدات بی‌ریبه و خارج از دایره استاندارد چیست؟ درواقع باید این پرسش اساسی را مطرح کرد که چون تلویزیون ما برخلاف تلویزیون‌های کابلی یک رسانه دولتی وابسته به بودجه و بی‌اتکا به رضایت بینندگان است و معادله مهم سرمایه‌گذاری و بازگشت سرمایه در تعاملات اقتصادی آن جایی ندارد تا کی و کجا می‌تواند به این سیاست مبتنی‌بر جذب نقدینگی بی‌حساب‌و‌کتاب و اسپانسرمحور ادامه دهد؟ در حوزه بین‌المللی و لاقبل در بخش شناخته‌شده و واجد کیفیت آن محصولات نمایشی‌اش در اقاص نقاط جهان در معرض تماشای میلیون‌ها بیننده قرار می‌گیرد، زمانی که بحث دنباله‌سازی به میان می‌آید یا از ابتدا و در مرحله شکل‌گیری و نگارش داستان دراین‌باره فکر و برنامه‌ریزی می‌شود یا حداکثر اگر هم اثری برای یک فصل برنامه‌ریزی شده و اقبال بیننده به آن، زمینه‌های استمرارش را مهیا کرده توسط تیم‌های مجرب به تمام قواعد نمایشی لازم برای تولید فصل‌های تازه فکر می‌شود که نمونه‌های آن نظیر دو مجموعه چندفصلی «بازی تاج‌وتخت» و «خانه پوشالی» که در سطح گسترده جهانی بیننده دارند، کم نیستند، اما در تلویزیون ما آیا به وجوهی مثل اقبال بینندگان و در تلویزیون‌ها برای ستر بالقوه لازم برای بسط داده‌شدن برخوردار نیستند توجه می‌شود؟ اینکه بدون فراهم‌شدن زمینه‌های تصویب در شبکه و لحاظ شدن بر چه مبنایی است؟ در همین مجموعه «نفس» که تابستان ۹۶ پخش شد، تا الان که حدود ۱۴ ماه از اتمام پخش آن گذشته، به‌جز آرزوی کارگردان آن برای ساخت فصل دوم و ذکر اینکه، «ممکن است شرایط به نحوی پیش برود که ساخت این سریال اتفاق نیفتد» اینکه هیچ اطلاع‌رسانی‌ای از مجرای رسمی شبکه تولیدکننده درباره زمان ساخت و پخش فصل جدید آن صورت نگیرد، آیا مطابق با قواعد و استانداردهای رسانه تلقی می‌شود؟ آیکاش علاوه‌بر برداشت الگوی چندفصلی‌سازی، آداب درست آن را هم از خالقانش بیاموزیم.

زیر آسمان فیر وزمای

بزرگداشت عزت‌الله انتظامی با «روسی‌آبی» در استرالیا



● هشتمین جشنواره فیلم‌های ایرانی استرالیا با حضور فاطمه معتمدآریا و بزرگداشت عزت‌الله انتظامی با نمایش ویژه نسخه بازسازی‌شده فیلم روسی‌آبی برگزار خواهد شد. هشتمین جشنواره فیلم‌های ایرانی استرالیا به مدیریت آرمین میلادی، ۱۸ اکتبر تا ۱۸ نوامبر (۲۶ مهر تا ۲۶ آبان) در شش شهر بزرگ استرالیا برگزار می‌شود.

فیلم‌های «خوک» مانی حقیقی، «سهرخ» جعفر پناهی، «حکایت دریا» بهمن فرمان‌آرا، «رونا؛ مادر عظیم» ساخته جمشید محمودی، «امیر»، ساخته نیما اقلیمی، «هندی و هرمز» ساخته عباس امینی، «هت‌تریک» رامین لوافی، «تنگه ابوقریب» بهرام توکلی، «دارکوب» بهروز شعبانی و همچنین سه فیلم کوتاه «وقت ناهار» علیرضا قاسمی، «پاکرد» محسن بنی‌هاشمی و «حباب» روناک طاهر در شش شهر بزرگ استرالیا (سیدنی، ملبورن، بریزبن، کانبرا، ادلاید و پرت) به نمایش درمی‌آیند.

فیلم «تنگه ابوقریب» و «دارکوب» اولین نمایش بین‌المللی خود را در این جشنواره خواهند داشت.

آرمین میلادی، مدیر جشنواره، ضمن اعلام این خبر افزود: فاطمه معتمدآریا، بازیگر سینمای ایران، میهمان ویژه هشتمین جشنواره فیلم‌های ایرانی استرالیاست. این هنرمند در نخستین حضور خود در این جشنواره، در مراسم اکران فیلم «حکایت دریا»، آخرین ساخته بهمن فرمان‌آرا، در سیدنی (۱۹ اکتبر) و ملبورن (۲۵ اکتبر) و جلسات پرسش‌وپاسخ حضور خواهد داشت.

او توضیح داد: در جشنواره امسال، همچنین مراسم ویژه‌ای برای یادبود و تقدیر از بازیگر فقید سینمای ایران، «عزت‌الله انتظامی»، در نظر گرفته شده است که شامل اکران ویژه نسخه بازسازی‌شده فیلم «روسی‌آبی»، ساخته تحسین‌شده رخشان بنی‌اعتماد است که با حضور سرکار خانم فاطمه معتمدآریا در شهر سیدنی برگزار خواهد شد.

بخش رقابتی این جشنواره تحت عنوان انار طلایی هم مانند سال‌های گذشته با اعلام برندگان در بخش‌های بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین فیلم‌نامه و بهترین بازیگر زن و مرد طبق روال سال‌های گذشته برگزار خواهد شد.

میلادی همچنین از شروع بلیت‌فروشی جشنواره و استقبال ایرانیان مقیم استرالیا و سینمادوستان از هم‌اکنون خبر داد و اعلام کرد: با توجه به جایگاه ویژه جشنواره در استرالیا و تجربه موفق سال‌های پیش و نیز کیفیت بالای فیلم‌های ارائه‌شده در جشنواره امسال، استقبال گسترده از فیلم‌ها قابل پیش‌بینی است.

اتریش می‌خواند

● **گروه هنر:** هر سال در هفته آخر مهر، هفته کتاب اتریش با عنوان «اتریش می‌خواند» در شهرهای مختلف اتریش و دیگر کشورها با برنامه‌های کتاب‌خوانی برگزار می‌شود.

مرکز فرهنگی شهر کتاب در این هفته، میزبان آلویس هوتشنيک، نویسنده معاصر اتریشی، است. آلویس هوتشنيک در سال ۱۹۵۹ در شهر برگ در درواستال اتریش به دنیا آمد و به‌عنوان نویسنده آزاد هم‌اکنون در شهر اینسبروک زندگی می‌کند. در سال ۱۹۸۹ کتاب داستانی «خامته» را نوشت که برایش جایزه استان کرنتن را به ارمغان آورد. در سال ۱۹۹۰ داستان «نوعی از خوشبختی» منتشر شد. او در سال ۱۹۹۲ در مسابقه «اینگه بورگ باخمن» جایزه استان کرنتن را در شهر کلانگن‌فورت به خود اختصاص داد و در همان سال رمان «ستان لونارد» را منتشر کرد. در سال ۱۹۹۴ نمایش‌نامه «بخشایش» او در شهر وین به اجرا درآمد. در سال ۲۰۰۰ دومین رمان او «اتاق لودویگ» به بازار عرضه شد. در سال ۲۰۰۲ برنده جایزه «ایتالو سوهوو» شد و در سال ۲۰۰۸ جایزه «اریش فرید» و در سال ۲۰۱۱ جایزه «گرت یونکه» دریافت کرد. در سال ۲۰۰۶ مجموعه داستان «بچه‌ها آرام نمی‌گیرند» و در پاییز ۲۰۰۹ مجموعه داستان «در حال نشسته می‌شود بهتر فرار کرد» از او منتشر شد. تعدادی از آثار او به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، سوئدی، اسلونیایی، کرواتی و ترکی ترجمه شده است.

نرسه هتنگی شهر کتاب در روز سه‌شنبه، ۲۴ مهر، ساعت ۱۶:۳۰ به برنامه «اتریش می‌خواند» اختصاص دارد که با داستان‌خوانی آلویس هوتشنيک و ترجمه علی‌اصغر حداد برگزار و درباره ویژگی ادبیات امروز اتریش بحث و گفت‌وگو می‌شود.